

سقوط یا قتل



پاسخ‌هایتان را از طریق پیامک به شماره ۳۰۰۰۹۹۹۰۱ ارسال کنید. به ۳ نفر از افرادی که پاسخ درست را ارسال کرده باشند به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا می‌شود.

پاسخ معمای شماره ۸

کار آگاه با تجربه این پرونده بعد از شنیدن حرف‌های حامد با آژانسی که او از آنجا بلیت هواپیما تهیه کرده بود تماس گرفت. اطلاعات ثبت شده از حامد و فریب‌دار آژانس مسافرتی نشان می‌داد که حامد برای رفتن بلیت برای خودش و همسرش تهیه کرده اما او برای برگشت فقط یک بلیت خریده است. این موضوع نشان می‌داد که حامد برای قتل همسرش نقشه قبلی داشته و این سفر را برای قتل او برنامه‌ریزی کرده بود و به این ترتیب به اتهام قتل همسرش بازداشت شد.

برندگان

۰۹۹۶۰۰۰۴۸۳۹

۰۹۹۰۰۰۰۴۷۱۵

۰۹۱۲۰۰۰۰۶۸۹۷

برنده کارت هدیه

۵۰ هزار تومانی شدند.

کمی خواستن بود. نمی‌دانستم شوهرم به چه سرنوشتی دچار شده تا اینکه کمی بعد فهمیدم او بر اثر سقوط از ارتفاع جانش را از دست داده است. این زن در ادامه مشخصات مردی را که ادعا می‌کرد شوهرش را به قتل رسانده در اختیار کارآگاه قرار داد اما در حالی که زن به خانه‌اش رفته بود ساعتی بعد کارآگاه و مأموران سراغ زن رفتند و او را به اتهام قتل همسرش بازداشت کردند. کارآگاه معتقد بود که این زن در حرف‌هایش صداقت نداشته و دروغ گفته است. به نظر شما کارآگاه چطور متوجه تلاش زن برای صحنه‌سازی و انداختن قتل به گردن مرد ناشناس شد؟ به ۳ نفر از خوانندگان که به معمای جنایی ما پاسخ صحیح دهند به قید قرعه ۳ کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا خواهد شد.

عصر روز جمعه بود که به کارآگاه جنایی خبر رسید مردی در ارتفاعات شمال تهران به طرز عجیبی جانش را از دست داده است. از آنجا که این حادثه رنگ و بوی جنایی داشت، دقایقی بعد تیم بررسی صحنه جرم خود را به محل حادثه رساندند. در نگاه اول به نظر می‌رسید که مرد جوان به دلیل سقوط از ارتفاع جانش را از دست داده است اما در ادامه همسرش حرف‌هایی زد که ماجرا را پیچیده کرد. بررسی‌های اولیه حاکی از این بود که این مرد همراه با همسرش برای تفریح به آنجا رفته بودند که این حادثه اتفاق افتاد. آنها حدود یک سال از ازدواج‌شان می‌گذشت و آنطور که به نظر می‌رسید در کنار یکدیگر زندگی خوبی داشتند. همسر متوفی در توضیح آنچه اتفاق افتاده بود به کارآگاه گفت: با اینکه هوابری بود از ساعتی قبل برای تفریح به اینجا آمدم. در لبه یک پر تگاه ایستاده بودیم و شوهرم مشغول تماشای منظره شهر و عکس گرفتن بود که ناگهان مرد ناشناسی به او نزدیک شد. نمی‌دانستم می‌خواهد چه کار کند اما ناگهان او شوهرم را هل داد و از پر تگاه پایین انداخت و فرار کرد. زن در توضیح این لحظه گفت: همزمان با این حادثه صدای رعد بلندی شنیدم و چند لحظه بعد برق مهیبی در آسمان ایجاد شد. من وحشت کرده بودم و نمی‌دانستم باید چه کار کنم. آن مرد هم در تاریکی محو شد و تنها کاری که از دستم برمی‌آمد فریاد زدن و

داستان روانشناختی در ماجرای یک قتل

است؛ درباره اینکه چگونه یک زن از برآورده کردن انتظارات اجتماعی و فرهنگی بازمی‌ماند. با دیدن فیلم «اناتومی یک سقوط» قرار نیست یک فیلم مهیج را تماشا کنید و شاید در دقیقه‌های اولیه فیلم حوصله‌تان سر برود، شروع این فیلم با مصاحبه یک زن نویسنده با یک دختر جوان همراه است و بعد صدای موسیقی بلند که باعث می‌شود ۲ شخصیت اصلی مصاحبه‌شان را به هم بزنند و در نهایت داستانی رقم می‌خورد. شاهد اصلی داستان یک پسر نابیناست اما تماشاگر تا پایان فیلم می‌تواند با آن همراه باشد. شاید تماشاگر به دنبال قاتل اصلی باشد اما هر چه فیلم پیش می‌رود می‌تواند برای بیننده جذاب‌تر باشد؛ این فیلم نشان می‌دهد که هر انسانی چگونه می‌تواند افکار خودش را به انسان‌های دیگر منتقل کند و آنها را اغنا کند. دفاع زن در برابر اتهام به قتل است و بعدها صحبت‌هایی که عنوان می‌شود؛ روابط پیچیده یک زن و شوهر و خواسته‌هایی که نتوانستند به آن برسند.

فهیمة پناه آذر، روزنامه‌نگار:

فیلم فرانسوی «اناتومی یک سقوط» تولید ۲۰۲۳ کشور فرانسه است که امسال توانست جایزه نخل طلای جشنواره کن را از آن خود کند. این فیلم سینمایی در نخستین هفته اکرانش، از نظر مخاطبان و منتقدان در حد یک شاهکار ظاهر شد و امتیاز این فیلم در سایت راتن تومیتوز در حال حاضر ۹۶ درصد از ۹۵ نقد است. ماجرای قتلی که صرفاً یک ماجرای کارآگاهی را رقم نمی‌زند بلکه نوعی ماجراجویی روانشناختی در اعماق پیچیدگی‌های روابط ۲ شخصیت اصلی فیلم (ساموئل و ساندرا) را برای تماشاگر نشان می‌دهد. منتقدان عمدتاً نظر بسیار مثبتی به این فیلم دارند و آن را هوشمندانه و منسجم توصیف کرده‌اند؛ حتی یکی از منتقدان خارجی (کتی والش) می‌گوید آنچه در این فیلم جریان دارد، بیسش از آنکه ماجرای یک پرونده قتل باشد، نگاهی ریزبینانه و ظریف به خود «زن بودن»

فیلم جنایی



سنگ، کاغذ، قیچی

علی‌الله سلیمی، روزنامه‌نگار: کتاب «سنگ، کاغذ، قیچی»

نوشته آلیس فینی با ترجمه سحر قدیمی، داستانی رازآلود و هیجان‌انگیز دارد و قصه زوجی جوان است که زندگی عاطفی‌شان با مشکلاتی روبه‌رو شده و برای رفع آن می‌خواهند به دریچه بلک‌واتر سفر کنند؛ اما ماجرا بسیار پیچیده‌تر از آن است که فکرش را می‌کنند. ۲ شخصیت داستانی در این رمان به نام‌های «آدام» و «آملیا»



کتاب پلیسی



به اسکاتلند سفر می‌کنند تا در هتلی کنار دریچه بلک‌واتر، دور از هیاهوی لندن، مشکلات‌شان را حل کنند. این هتل زیبا در واقع کلیسایی قدیمی با منظره‌ای خیره‌کننده در دل طبیعتی دست‌نخورده است اما اوضاع آنطور که این زوج انتظار دارند پیش نمی‌رود: آب و برق قطع می‌شود، سروصداها عجیبی از گوشه و کنار کلیسا به گوش می‌رسد، درها بی‌جهت باز و بسته می‌شوند، امکان تماس با هیچ‌کس وجود ندارد و انگار کسی این زوج را زیر نظر گرفته است. به علاوه، مشخص می‌شود سرداب کلیسا محل دفن جادوگران بسوده و ارواح آنها مدام در آن اطراف پرسه می‌زنند. در این رمان، آملیا و آدام رایت که در جست‌وجوی آرامش خود را به ارتفاعات اسکاتلند رسانده‌اند احتمال می‌دهند که شاید بتوانند از دواج ده‌ساله خود را از نابودی نجات دهند. آنها، همسایه‌ای مرموز و انزواطلب به نام «رابین» دارند که باعث وحشت «آملیا» می‌شود. وقتی او می‌بیند که «رابین» پشت پنجره خانه ایستاده و به آنها خیره شده است، داستان خیلی زود پیچ و خم‌هایی خطرناک به خود می‌گیرد و روایت هر کدام از این ۳ شخصیت، «جعبه پاندورا» را می‌گشاید که سرشار از اسرار، دروغ‌ها و خیانت‌های ریز و درشت است. کتاب سنگ، کاغذ، قیچی که از سوی نشر نون منتشر شده، چهارمین رمان آلیس فینی است که خیلی زود توانسته موفقیت رمان‌های قبلی او را تکرار کند و به فهرست پرفروش‌های بین‌المللی راه یابد. شخصیت‌های این رمان در فضایی برفی و وهم‌آلود به تدریج رازهای زندگی یکدیگر را کشف می‌کنند.

